مجله علوم پزشکی رازی دوره ۲۷، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۹
http://rjms.iums.ac.ir
مقاله پژوهشی

رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین شخصی دانشجویان: نقش میانجی هوش هیجانی

مهران فرهادی: استادیار، گروه روانشناسی ، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (*نویسنده مسئول) m.farhadi@basu.ac.ir
حسین محققی: دانشیار، گروه روانشناسی ، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
بیان نسائی مقدم: دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: از جمله عواملی که به شکل منفی روابط بین‌فردی دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشکلات بین شخصی است. لذا، شناسایی عواملی که بتواند از این مشکلات پیشگیری کند، دارای اهمیت است. هدف از این پژوهش شناسایی رابطه بین سبک های دلبستگی با مشکلات بین شخصی با توجه به نقش میانجی هوش هیجانی بود.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی- همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این مطالعه را دانشجویان دختر ساکن خوابگاه دانشگاه بوعلی سینا تشکیل دادند، که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند. نمونه-های این پژوهش شامل ۲۰۰ دانشجوی دختر بود که به‌شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه مشکلات بین‌شخصی هرویتز و همکاران ۱۹۸۸ (IIP-60)، سبک دلبستگی بزرگسال کولینز و رید ۱۹۹۰ (RAAS) و هوش هیجانی شرینگ (۱۹۹۶) و جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای آماری SPSS 22 و LISREL 8.5 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج ضریب همبستگی نشان‌داد که سبک دلبستگی ایمن به‌طور معکوس و معنادار ($p< ۰/۰۵$) و سبک دلبستگی دوسوگرا به‌طور مستقیم و معنادار ($p< ۰/۰۵$) مشکلات بین‌شخصی را پیش‌بینی می‌کنند. اما رابطه سبک دلبستگی اجتنابی با مشکلات بین‌شخصی معنادار نبود. نقش میانجی متغیر هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی تایید شد. بررسی روابط علی بین متغیرها نشان داد که داده‌های پژوهش با مدل مفهومی برازش مناسبی دارند ($GFI = ۰/۹۰$، $CFI = ۰/۹۷$، $NFI = ۰/۹۵$، $RMSEA = ۰/۰۲۵$، $X^2 / df = ۴/۱۳۳$).

نتیجه‌گیری: یکی از عوامل مهم در کاهش مشکلات بین شخصی، در کنار سایر عوامل، احتمالاً داشتن سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی است. افراد با سبک دلبستگی ایمن، در تنظیم، نظارت، ارزیابی و ابراز هیجان‌های خود، موفق‌تر هستند. و هوش هیجانی بالا به نوبه خود احتمالا موجب کاهش مشکلات بین شخصی می‌شود.

تعارض منافع: گزارش نشده است.
منبع حمایت کننده: حامی مالی نداشته است.

کلیدواژه‌ها
سبک‌های دلبستگی،
مشکلات بین شخصی،
هوش هیجانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۹
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

شیوه استناد به این مقاله:
Farhadi M, Mohagheghi H, Nesai Moghadam B. The relationship between attachment styles and student interpersonal problems: The role of mediating emotional intelligence. Razi J Med Sci. 2020;27(1):73-84.

*انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 3.0 صورت گرفته است.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

Razi Journal of Medical Sciences.2020;27(1):73-84. http://rjms.iums.ac.ir

Original Article

The relationship between attachment styles and student interpersonal problems: The role of mediating emotional intelligence

Mehran Farhadi, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic & Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (*Corresponding author) m.farhadi@basu.ac.ir
Hossien Mohagheghi, Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic & Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
Bayan Nesai Moghadam, PhD Student of Psychology, Faculty of Economic & Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

Background: Among the factors that negatively affect students' interpersonal relationships are interpersonal problems. Therefore, it is important to identify the factors that can prevent these problems. The purpose of this study was to identify the relationship between attachment styles and interpersonal problems due to the mediating role of emotional intelligence.
Methods: The present study is a descriptive-correlation and structural equation modeling model. The study population consisted of female students residing in the dormitory of Bou Ali Sina University, who were studying in the academic year 2016-17. The sample of this study included 200 female students who were selected through available sampling. For data collection, three questionnaires of interpersonal problems of Herwitz et al. 1988 (IIP-60), Collins and Reed 1990 Adult Attachment Style (RAAS) and Sharing Emotional Intelligence (1996) were used to analyze the data by statistical software SPSS 22 and LISREL 8.5 were used.
Results: The results of correlation coefficient showed that safe attachment style was inversely significant ($p<0.05$) and ambivalent attachment style predicted directly and significantly ($p<0.05$) the interpersonal problems. But the relationship between avoidant attachment style and in-personality problems was not significant and the role of mediator of emotional intelligence in the relationship between attachment styles and interpersonal problems was confirmed. Investigating the causal relationships between the variables showed that the research data are fitted with conceptual model (X2/df=4.133, GFI=0.90, CFI=0.97, NFI=0.95, RMSEA=0.025).
Conclusion: One of the important factors in reducing interpersonal problems, along with other factors, is probably having a secure attachment style and emotional intelligence. People with a secure attachment style are more successful in setting up, monitoring, evaluating and expressing their excitement. And high emotional intelligence probably reduces interpersonal problems.

Conflicts of interest: None
Funding: None

Keywords
Attachment styles,
Interpersonal problems,
Emotional intelligence

Received: 31/08/2019
Accepted: 01/02/2020

Cite this article as:
Farhadi M, Mohagheghi H, Nesai Moghadam B. The relationship between attachment styles and student interpersonal problems: The role of mediating emotional intelligence. Razi J Med Sci. 2020;27(1):73-84.

*This work is published under CC BY-NC-SA 3.0 licence.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

مقدمه

دانشجویان هر جامعه، نیروی انسانی و سازندگان فردای آن جامعه هستند (۱). آنها به‌عنوان قشر پویا و آینده‌سازان هر کشور، بخش عمده‌ای از برنامه‌ریزی و بودجه‌ی هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند (۲). لذا، توجه به مشکلات دانشجویان در حوزه‌ی سلامت روان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از جمله مشکلات دانشجویان خوابگاهی که احتمالاً سلامت روان آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد مشکلات بین شخصی (Interpersonal problems) آنهاست. مشکلات بین‌شخصی، مشکلاتی هستند که در رابطه با دیگران ایجاد می‌شوند. هر چه در حیطه‌ی روابط بین‌شخصی مشکلات بیشتری تجربه کنیم، شانس زندگی بهتر، رضایت و سلامتی را از دست خواهیم داد (۳). مشکلات بین‌شخصی با حساسیت بین فردی، دوسوگرایی بین فردی، پرخاشگری و خصومت نسبت به دیگران در پاسخ به طرد، نیاز به تایید اجتماعی و عدم جامعه‌پذیری تعریف شده است (۴) و باعث نگرانی و درماندگی روان‌شناختی فرد می‌شوند و محصول تعارض بین تمایل شخص به رفتارهای معین و ترس از پیامد آن رفتار است (۵). هرویتز و همکارانش (۶) با تحلیل دقیق مشکلات گزارش شده در مصاحبه‌های بالینی، توانستند مجموعه‌ای از مشکلات بین‌شخصی، شامل مشکلات افراد در زمینه قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت-پذیری، صمیمیت، مسوولیت‌پذیری و مهارگری را شناسایی، تلخیص و فهرست کنند.

یکی از عوامل مهم که احتمالاً بر مشکلات بین‌شخصی دانشجویان خوابگاهی نقش دارد، سبک‌های دلبستگی (Attachment styles) است. سه سبک اصلی دلبستگی بزرگسالی را ایمن (Secure)، مضطرب/دوسوگرا (Anxious/ambivalent) و اجتنابی (Avoidant) معرفی می‌کنند (۷). دانشجویانی که دارای سبک دلبسته ایمن هستند، در نیمسال اول تحصیلی به‌طور مکرر به خانه می‌روند یا از طریق تلفن با اعضای خانواده تماس برقرار می‌کنند، درست مانند کودکان دلبسته ایمن که بعد از جدایی از مادرشان گریه می‌کنند، ولی بعد از مدتی این اشتغال فکری کاهش می‌یابد و به‌طور سازگارانه با موقعیت جدید برخورد می‌کنند. این دانشجویان از نظر وضعیت جسمانی و سازگاری اجتماعی، وضعیت مطلوبی دارند (۸). دانشجویانی که دارای سبک دلبسته دوسوگرا هستند، در برقراری روابط در محیط جدید دچار آشفتگی می‌شوند و حالتی از تعارض و دو دلی دارند. این افراد، اشتیاق زیادی به نزدیکی با دیگران دارند؛ اما همزمان از اینکه نزدیک شوند نیز ترس بسیاری دارند و سرانجام شدیداً به دیگران وابسته می‌شوند (۸). دانشجویان دارای سبک دلبسته اجتنابی، از گروه کناره‌گیری کرده و احتیاج به برقراری تماس با والدین یا دلتنگی را انکار می‌کنند، این افراد از ایجاد روابط جدید می‌ترسند و به‌وسیله‌ی عدم نیازشان به عشق و محبت، از خود دفاع می‌کنند (۸). یکی دیگر از عواملی که می‌تواند مشکلات بین‌شخصی دانشجویان را پیش‌بینی کند، هوش هیجانی (Emotional intelligence) است (۹). هوش هیجانی ظرفیت ادراک، بیان، فهم، کاربرد و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران (۱۰) و مجموعه‌ای از توانایی‌های غیرشناختی است که بر توانایی رویارویی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها، مقتضیات و فشارهای محیطی تاثیر می‌گذارد (۱۱). هوش هیجانی سازه‌ای در درون فرد است که تا حدی نامحسوس بوده و تعیین می‌کند که چگونه رفتار خود را اداره کنیم، چگونه با مشکلات کنار بیاییم و در نهایت چگونه تصمیم‌هایی بگیریم که به نتایج مثبت ختم شوند (۱۲). بار-آن در الگوی خود از هوش هیجانی، فقط روابط درونی فرد با خودش و دیگران را مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه عناصری چون سازش‌پذیری، تحمل فشار و خلق عمومی را از عوامل تشکیل‌دهنده هوش هیجانی می‌شمرد (۱۳). افرادی که درباره هیجان‌های خود، آگاهی بیشتر دارند، مهارت‌های بیشتری در مدیریت مشکلات هیجانی دارند و در مقایسه با افرادی که مهارت‌های کمتری دارند، احساس سلامت روان بیشتری را تجربه می‌کنند. به این ترتیب، افرادی که می‌توانند در یک موقعیت استرس برانگیز هیجان

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

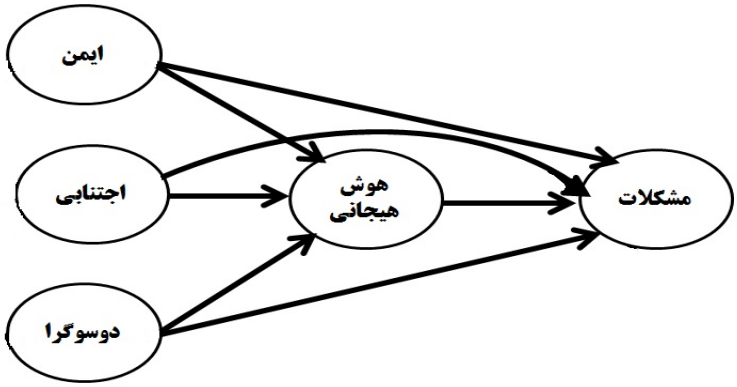
ویژه‌ای را در خود تشخیص دهند، زمان کمتری را صرف توجه به واکنش‌های هیجانی خود می‌کنند و منابع شناختی کمتری را به‌کار می‌گیرند. این امر به آنها امکان بررسی واکنش‌های دیگر را می‌دهد و باعث می‌شود که افکار خود را متوجه تکالیف دیگر کنند یا راهبردهای انطباقی سازگارانه بیشتری را به‌کار ببرند (۱۶-۱۴). افراد دارای هوش هیجانی بالا، مهارت بیشتری در درک احساسات دیگران و پاسخگویی به آنها همراه با همدلی و شفقت دارند. این افراد قادر هستند که به‌راحتی با دیگران دوست شوند. آنها شرکای بهتر، همکاران بهتر و رهبران بهتری هستند. تحقیقات نشان داده است که هوش هیجانی می‌تواند تعاملات بین‌فردی مثبتی تولید کند (۱۷). در زمینه متغیرهای این مطالعه، پژوهش‌هایی انجام گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ماگای، دیستل و لیکلر (۱۸) دریافتند که افراد دارای سبک ایمن، در رمزگشایی حالتهای هیجانی منفی چهره دیگران موفق‌تر از افراد دارای سبک اجتنابی هستند. مردان دارای سبک اضطرابی-دوسوگرا در رمزگشایی عصبانیت، بی دقت و زنان دوسوگرا دقیق‌ترند. در پژوهش‌های دیگر (۱۹) نشان داده شد که مردان دوسوگرا، توانایی کمتری در رمزگشایی رفتار غیرکلامی مثبت همسران خود دارند. نوجوانان ناایمن، انعطاف‌پذیری کمتر و اضطراب و خصومت بیشتری در مقایسه با دوستان ایمن خود گزارش می‌دهند و در بزرگسالی در زمینه‌های ارتباطی خود، هیجان‌های منفی را بیشتر و هیجان‌های مثبت را کمتر تجربه می‌کنند (۲۰). رابطه دلبستگی اجتنابی و اجتناب از مواجه شدن با درماندگی (۲۱) و رابطه مثبت دوسوگرایی با ناپایداری هیجانی در تعاملهای اجتماعی (۲۲) و توجه بیش از حد به منبع درماندگی (۲۳) نیز مورد تایید قرار گرفته‌اند. بکندام (۲۴) نشان داد افراد ایمن، در روابط بین فردی، همدل‌تر و در تنظیم هیجان‌های خود شیوه‌های مناسب‌تری دارند. در مقابل، افراد ناایمن، از آشفتگی‌های ذهنی بیشتر، شیوه‌های ناکارآمدتر و همدلی ضعیف‌تری برخوردارند. فولام (۲۵) با بررسی کیفیت دلبستگی و رفتارهای شازش‌یافته دانشجویان، نشان داد، افراد ایمن، در روابط بین‌فردی، حل مسائل اجتماعی، مهار تنیدگی، سلامت جسمانی و روانی نسبت به افراد ناایمن در سطح بالاتری قرار دارند.

بایومیستر و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، در روابط خود با دیگران، امنیت بیشتری را احساس می‌کنند و در برابر وسوسه‌های محیطی توانایی مقاومت بیشتری دارند (۲۶) بار- آن و پارکر (۱۳) دریافتند کودکانی که رابطه دلبستگی ایمن داشته‌اند، از نظر هیجانی خود را بیان می‌کنند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و در مقایسه با کودکان ناایمن، در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند. یافته‌های بررسی هرویتز، روزنبرگ و بارتولمو و هرویتز و همکاران نیز نشان داده‌اند که شکل‌های مختلف مشکلات بین‌شخصی با سبک‌های متفاوت دلبستگی مطابقت دارد (۲۷). یافته‌های ذراتی و همکاران (۲۸) و آزادی و طهرانی (۲۹) نشان داد که هوش هیجانی در هر دو جنس، با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی داشت. پژوهش قنبری و همکاران (۳۰) حاکی از این است که دانشجویان دلبسته ایمن از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند.

یافته‌های بشارت و همکاران (۳۱) نشان داد سبک دلبستگی ناایمن تا حدودی از طریق مشکلات بین‌شخصی، نشانه‌های اضطرابی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در پژوهش دیگر بشارت و همکاران (۳۱) بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات بین‌شخصی، همبستگی منفی معنادار وجود دارد و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و ناگویی هیجانی با مشکلات بین‌شخصی همبستگی مثبت معنادار داشتند.

چنانچه مشاهده شد در پژوهش‌های قبلی ارتباط متغیرهای سبک‌های دلبستگی با هوش هیجانی و مشکلات بین شخصی مشخص شده، اما همه متغیرها به‌طور همزمان مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند، لذا، این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات بیشتر و روشن شدن ارتباط بین این متغیرها به‌صورت یکپارچه انجام گرفته است. از آنجا که ورود به دانشگاه یکی از بحرانی‌ترین دوره‌ها در روابط بین شخصی محسوب می‌شود و مشکل در روابط بین شخصی یکی از مهمترین علل مراجعه دانشجویان به مراکز مشاوره است، بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه سبک های دلبستگی با مشکلات بین شخصی است.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

لذا، با توجه به هدف پژوهش، مدل مفهومی به‌صورت شکل ۱ مشخص شده است.

روش کار

روش اجرای این پژوهش توصیفی- همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. در این پژوهش سه متغیر مورد مطالعه قرارگرفته است، که عبارتند از: سبکهای دلبستگی (متغیر مستقل)، هوش هیجانی (متغیر میانجی) و مشکلات بین‌شخصی (متغیر وابسته). جامعه آماری این مطالعه شامل دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه بوعلی سینا که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ نفر می‌باشد (۳۲). لذا، در این مطالعه ۲۰۰ نفر به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک ورود به این مطالعه، موافقت دانشجو برای تکمیل پرسشنامه‌ها و سکونت در خوابگاه‌های دخترانه این دانشگاه بود. پرسشنامه‌ها فاقد نام بودند و به دانشجویان مورد مطالعه در مورد محرمانه بودن اطلاعات اطمینان داده شد و موافقت آن‌ها برای ورود به مطالعه حاضر کسب شد. همچنین این امکان وجود داشت که اگر دانشجویی تمایل به تکمیل و برگرداندن پرسشنامه‌ها نداشت، از مطالعه خارج شود، که در این مطالعه چنین موردی وجود نداشت. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS)، هوش هیجانی شرینگ (۱۹۹۶) و مشکلات بین‌شخصی هرویتز و همکاران (IIP-60) استفاده شد.

جهت سنجش سبک‌های دلبستگی از پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS) ۱۸ ماده‌ای، استفاده شد. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه او را بررسی می‌کند دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد: وابستگی، که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد؛ زیر مقیاس نزدیکی، که میزان صمیمیت و نزدکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و زیر مقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را ارزیابی می‌کند. به هر یک از زیر مقیاس‌ها ۶ عبارت اختصاص یافته‌است. آزمودنی ها بر مبنای نتایج به دست آمده، در یکی از سه گروه دارای سبک دلبستگی: ایمن، اضطرابی و اجتنابی جای می‌گیرند.

ضریب پایایی باز آزمایی این آزمون برای هریک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کولینز و رید نشان دادند که زیر مقیاس های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصلهٔ زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است میزان قابلیت اعتماد به دست آمده، بالا است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون – آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا با حجم ۱۰۰

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

نفر آزمودنی، نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصلهٔ زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس ها A، B، C در (RAAS) معنا دار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است و در پژوهش اخوی ثمرین، نوابی نژاد، ثنایی ذاکر و اکبری، پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸۳ به دست آمده است (۳۳).

پایایی این پرسشنامه در این مطالعه، بر پایه ضریب آلفای کرونباخ ۷۲/. تعیین گردید. برای سنجش روایی سوالات از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد و شاخص‌های برازش (GFI = ۰/۹۵، CFI = ۰/۹۴، NFI = ۰/۰۴۱، RMSEA = ۳/۴۵ ،X^2 / df) حاکی از روایی مناسب پرسش‌نامه است.

پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ دارای ۳۳ سوال است و از پنج خرده مقیاس خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و مدیریت روابط تشکیل شده‌است. این پرسشنامه بر اساس نظریه هوش هیجانی گلمن تنظیم و در ایران توسط منصوری، ترجمه و هنجاریابی شده‌است. ضریب پایایی آن با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ، برای مولفه خودانگیزی ۵۴٪، خودآگاهی ۶۹٪، خودکنترلی ۶۴٪، همدلی ۵۱٪، مدیریت روابط ۵۰٪ و کل آزمون ۸۵٪ می‌باشد. این اعداد حاکی از پایایی در سطح قابل قبول هستند. مهانیان خامنه، فرقدانی، بنکداری و دلپسند و همکاران، در پژوهش‌های جداگانه پایایی این آزمون را از طریق محاسبه آلفای کرونباخ به‌ترتیب ۸۳٪، ۸۷٪، ۸۴٪ و ۸۸٪ گزارش کرده‌اند. سازنده مقیاس، روایی پرسشنامه را از طریق بررسی روایی همزمان و روایی سازه آن را از طریق بررسی همسانی درونی و تحلیل عاملی همگرا و واگرا مورد بررسی قرار داد. همچنین، روایی و پایایی این آزمون در سال ۱۹۹۶ توسط جرابکت بررسی شد و روایی و پایایی آن تایید شد(۳۴). در این پژوهش پایایی این مقیاس بر پایه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۸۶/. تعیین گردید. برای سنجش روایی سوالات از تحلیل عاملی تاییدی استفاده‌شد و شاخص‌های برازش (GFI = ۰/۹۵، CFI = ۰/۹۵، NFI = ۰/۹۴، RMSEA = ۰/۰۱۸، X^2 / df = ۳/۷۵) حاکی از روایی مناسب پرسش‌نامه است.

مشکلات بین‌شخصی هرویتز و همکاران (IIP-60) فرم کوتاه مقیاس ۱۲۷ گویه‌ای مشکلات بین‌شخصی است (۳۵). این آزمون با ۶۰ گویه مشکلات بین شخصی را در شش زمینهٔ قاطعیت، مردم آمیزی، اطاعت پذیری، صمیمیت، مسئولیت پذیری و مهارگری در مقیاس پنج درجه ای لیکرت از نمرهٔ صفر تا چهار (خیلی کم =صفر، کم =یک، متوسط =دو، زیاد=سه، خیلی زیاد =چهار) می سنجد. این مقیاس از دو قسمت تشکیل شده است: در قسمت اول که به چهار زیرمقیاس اول مربوط میشود، گویه ها با عبارت ((برایم دشوار است که...)) شروع می شوند. در قسمت دوم، گویه ها با عبارت ((...را خیلی زیاد انجام می دهم.)) پرسیده می شوند. علاوه بر شش زیرمقیاس فوق، میانگین کل آزمودنی در زمینهٔ مشکلات بین شخصی نیز بر اساس نمرهٔ وی در مجموع ۶۰ گویهٔ آزمون محاسبه می شود .در اعتباریابی فرم فارسی این مقیاس برای نمونه های دانشجویی (۱۵۹ دختر، ۱۱۲ پسر) و جمعیت عمومی (۴۹۰ زن، ۴۳۴ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ مواد هر یک از زیرمقیاس‌ها از ۰/۸۶ تا ۰/۸۹ برای قاطعیت، از ۰/۹۰ تا ۰/۹۱ برای مردم آمیزی، از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ برای اطاعت پذیری، از ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ برای صمیمیت، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ برای مسؤلیت پذیری، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۲ برای مهارگری و از ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ برای نمرهٔ کل مشکلات بین شخصی محاسبه شد که نشانهٔ همسانی درونی زیاد مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمرات دو نمونهٔ ۱۱۲ و ۱۲۳ نفری در دو نوبت به فاصلهٔ دو تا شش هفته برای قاطعیت از ۰/۷۱ تا ۰/۸۰ برای مردم آمیزی از ۰/۶۵ تا ۰/۷۵، برای اطاعت پذیری از ۰/۷۶ تا ۰/۷۹، برای صمیمیت از ۰/۷۴ تا ۰/۷۵، برای مسؤلیت پذیری از ۰/۷۷ تا ۰/۷۸، برای مهارگری از ۰/۷۰ تا ۰/۷۸ و برای مشکلات بین شخصی(نمرهٔ کل) از ۰/۸۱ تا ۰/۸۴ به دست آمد که در سطح $p<۰/۰۰۱$ معنادار بودند. این ضرایب نشانهٔ پایایی بازآزمایی رضایت بخش فرم ۶۰ گویه ای مقیاس مشکلات بین شخصی هستند. برای بررسی روایی سازهٔ مقیاس مشکلات بین شخصی، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه های اصلی برای کل شرکت کنندگان در دو گروه استفاده شد. در تحلیل چرخش نایافته، بار عاملی بیشتر گویه های مقیاس روی یک عامل کلی (مشکلات بین شخصی کلی) قرار گرفت. آزمون اسکری، که تعداد تقریبی

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

عامل‌ها را پیشنهاد می کند، نشان داد که شش عامل قاطعیت، مردم آمیزی، اطاعت پذیری، صمیمیت، مسؤلیت پذیری و مهارگری وجود دارند و ۵۹ درصد (در نمونهٔ دانشجویی) تا ۶۳ درصد (در نمونهٔ جمعیت عمومی از واریانس کل) را تبیین می‌کنند.

روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس مشکلات بین شخصی، از طریق اجرای همزمان مقیاس سلامت روانی، مقیاس درجه بندی حرمت خود و مقیاس هوش هیجانی در مورد آزمودنی‌های دو گروه محا سبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمرهٔ آزمودنی‌ها در زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخصی با بهزیستی روان شناختی، حرمت خود و هوش هیجانی همبستگی منفی معنادار و با درماندگی روان شناختی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس مشکلات بین شخصی را تأیید می‌کنند (۳۵).

پایایی این پرسش نامه در این پژوهش، بر پایه ضریب آلفای کرونباخ ۹۳/. تعیین گردید. برای سنجش روایی سوالات از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد و شاخص‌های برازش (GFI = ۰/۹۵، CFI = ۰/۹۷، ۰/۹۶ NFI = ۰/۰۴۵، RMSEA = ۳/۱۸، X^2 / df) حاکی از روایی مناسب پرسش‌نامه است.

برای تحلیل داده‌های این مطالعه از آمار توصیفی (بررسی متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق شامل سن، مقطع و رشته تحصیلی، تاهل) و جهت ارزیابی فرضیه‌های تحقیق از آمار استنباطی (شامل آزمون نرمال بودن، آزمون ضریب همبستگی و ...) از نرم افزارهای SPSS 22 و LISREL 8.5 استفاده شد.

یافته‌ها

۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان در مقطع کارشناسی، ۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۱ درصد در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بودند. از نظر سنی ۵۹ درصد در فاصله بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۴۰ درصد در فاصله بین ۲۴ تا ۲۸ سال و ۱ درصد بیشتر از ۲۸ سال داشتند. همچنین ۹۰ درصد مجرد و ۱۰ درصد متاهل بودند و ۷۴ درصد در رشته علوم پایه و ۲۶ درصد از پاسخ‌دهندگان در رشته علوم انسانی تحصیل می‌کردند.

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش باید فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا، در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرها شامل: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی ارائه شده است.

بر اساس نظر کلاین (۳۰)، نباید قدر مطلق چولگی (کجی) و کشیدگی متغیرها به ترتیب بیشتر از ۳ و ۱۰ باشد. لذا، با توجه به داده‌های جدول ۱، قدر مطلق چولگی و کشیدگی کلیه متغیرها کمتر از یک می‌باشد که نشان می‌دهد، فرض نرمال بودن متغیرها جهت آزمون متغیرهای پژوهش برقرار است.

در جدول ۲، ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
دلبستگی ایمن	۲/۰۸	۰/۴۴	-۰/۱۷	-۰/۱۸
دلبستگی اجتنابی	۲/۲۴	۰/۳۹	-۰/۰۱	-۰/۱۲
دلبستگی دوسوگرا	۱/۷۲	۰/۸۰	۰/۳۲	-۰/۰۵
هوش هیجانی	۳/۳۲۶	۰/۴۷۸۲	-۰/۴۳۷	۰/۲۴۳
مشکلات بین شخصی	۱/۵۱۵۳	۰/۴۹۸۴	۰/۵۷۰	۰/۲۶۶

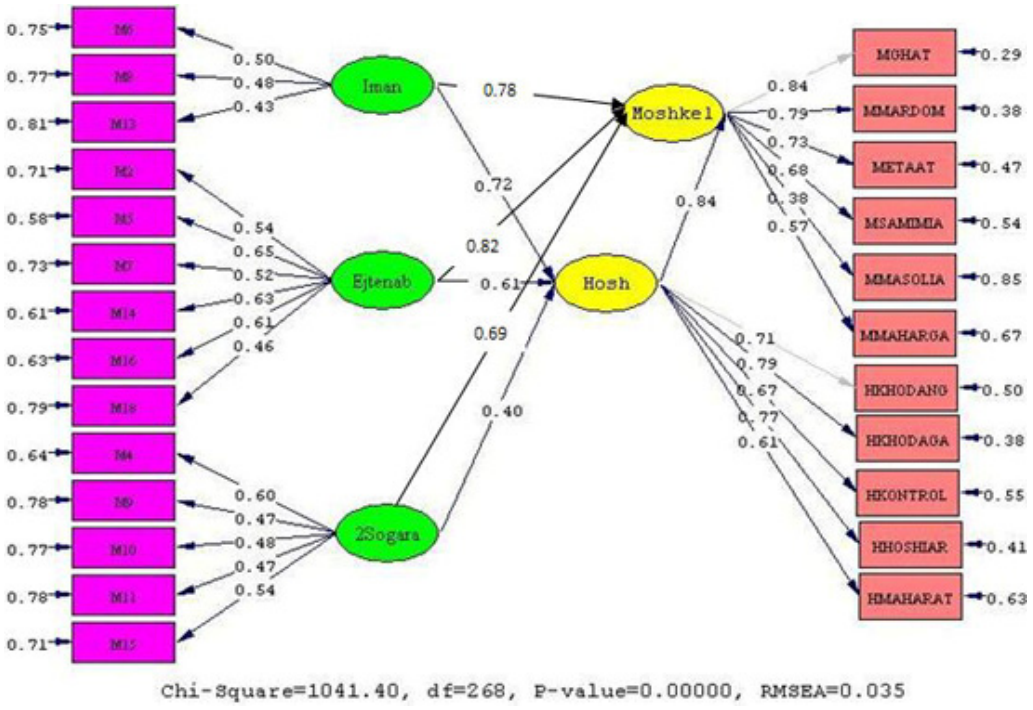
جدول ۲- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	هوش هیجانی	مشکلات بین شخصی
دلبستگی ایمن	۰/۳۸۵*	-۰/۳۴۴*
دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۲۱*	-۰/۰۱۹^{ns}
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۷۳۴*	۰/۳۶۶*
هوش هیجانی	۱	-۰/۱۵۲*
مشکلات بین شخصی		۱

*p<۰/۰۵ ، **p<۰/۰۱ ، ^{ns} عدم معنی‌داری

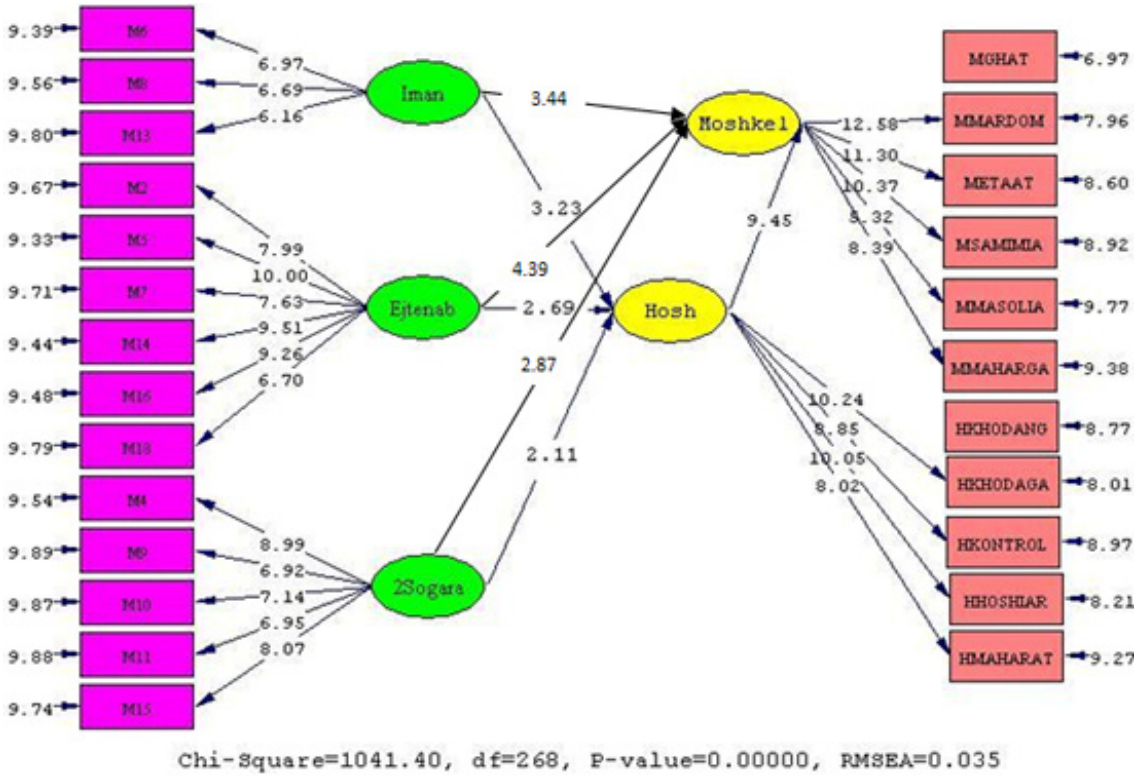
[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲، ضریب همبستگی سبک ایمن با هوش هیجانی برابر با ۰/۳۸۵ گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی مثبت می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی مستقیم بین دو متغیر وجود دارد. ضریب همبستگی سبک اجتنابی با هوش هیجانی برابر با ۰/۳۲۱- گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی منفی می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی غیرمستقیم و معکوس بین دو متغیر وجود دارد. ضریب همبستگی سبک دوسوگرا با هوش هیجانی برابر با ۰/۷۳۴- گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی منفی می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی غیرمستقیم و معکوس بین دو متغیر وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی سبک ایمن با مشکلات بین شخصی برابر با ۰/۳۴۴- گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی منفی می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی غیرمستقیم و معکوس بین دو متغیر وجود دارد. ضریب همبستگی سبک اجتنابی با مشکلات بین شخصی ارتباط معناداری نداشته و بدین ترتیب وارد مدل روابط متغیرهای پژوهش نمی‌گردد. ضریب همبستگی سبک دوسوگرا با مشکلات بین شخصی برابر با ۰/۳۶۶ گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی مثبت می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی مستقیم بین دو متغیر وجود دارد. ضریب همبستگی متغیر هوش هیجانی با مشکلات بین شخصی برابر با ۰/۱۵۲- گزارش شده است که با توجه به سطح معناداری مربوط به آن، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه این ضریب همبستگی منفی می‌باشد می‌توان گفت که یک همبستگی غیرمستقیم و معکوس بین دو متغیر وجود دارد.



شکل ۲- مدل تخمین استاندارد مبتنی بر ضرایب همبستگی مدل مفهومی

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]



شکل ۳- حالت معناداری مدل مفهومی

جدول ۳- مشخصه‌های نیکویی برازش مدل برازش یافته

(x^2/df)	(GFI)	(CFI)	(NFI)	(RMSEA)
۴/۱۳۳	۰/۹۰	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۰۲۵

به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیه‌ها در شکل‌های شماره ۲ و ۳ منعکس شده است.

برای بررسی مناسب بودن برازش شاخص‌های مدل از معیارهای مختلفی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

نسبت مجذور خی به درجه آزادی فاقد معیاری ثابت برای مدل قابل قبول است. شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش استاندارد برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند مساوی یا بزرگتر از ۰/۹ است. همچنین مقدار ریشه میانگین مجذورات پس مانده‌ها برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند، مساوی یا کمتر از ۰/۰۵ است . با توجه به مشخصه‌های نیکویی برازش گزارش شده در جدول ۳، برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد و بر اساس نتایج مدل اجرا شده فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار گرفتند. در کل روابط مفهومی پژوهش با داده‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج برازش مدل در شکل‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی با داده‌های تجربی برازش مناسبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل ساختاری رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین شخصی با توجه به نقش میانجی‌گری هوش هیجانی بود. نتایج بررسی رابطه هر سه سبک دلبستگی با هوش هیجانی معنادار است. این نتیجه با یافته‌های پپینگ، دویس و اودنوان (۳۶)، هاوکینز-راجرز (۳۷)، مالینکوردت و وی

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

(۳۸)، کافتسیوس (۱۹)، فولام (۲۵)، کریکورین (۳۹) و بکندام (۲۴) همسویی و مطابقت دارد. در تبیین این یافته طبق دیدگاه هانستینگر و لانکن (۴۰) می توان گفت که افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به کسانی که دلبسته ناایمن هستند، از خودپنداره مثبت بیشتری برخوردارند و این امر موجب تمرین رفتارهای سالم بیشتری در فرد می‌شود و در نتیجه مهار موقعیت‌های هیجانی و عاطفی آنها بیشتر می‌شود. کانر و دیویدسون (۴۱) نیز نشان داده‌اند افرادی که مشکلات هیجانی و عاطفی دارند از سبک‌های دلبستگی ناایمن برخوردارند و بیشتر به دنبال جلب توجه سایرین، صمیمیت بیش از حد با غریبه‌ها و داشتن روابط دوستانه محدود هستند. لذا، بر این اساس می‌توان گفت افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، احتمالاً هوش هیجانی بالاتری داشته و در تنظیم هیجان‌ها موفق‌تر و درک بهتری از هیجان‌ها دارند، چرا که سبک دلبستگی بر اساس نوع رابطه هیجانی بین کودک و مراقب شکل می‌گیرد که مبنایی برای رشد هوش هیجانی در بزرگسالی است.

یافته‌های بررسی پژوهش آشکار نمود که رابطه سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا با مشکلات بین شخصی معنادار است. این یافته با نتایج امانی و همکاران (۴۲) بشارت و همکاران (۲۷) همخوانی دارد. بنابراین روابط اولیه مادر-کودک تعیین کننده نوع نگرش فرد نسبت به دنیایی است که با آن روبه رو می‌شود. بنابراین افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند احتمالاً نگرش مثبتی از خود و دیگران دارند و مشکلات بین شخصی کمتری را تجربه می‌کنند. همچنین نتایج بررسی پژوهش نشان داد که هوش هیجانی با مشکلات بین شخصی رابطه معنادار دارد. این نتیجه با یافته‌های خواجه و مقدم (۴۳)، صبری و همکاران (۴۴)، بشارت و همکاران (۳۵)، بشارت و همکاران (۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت طیف گسترده مشکلات بین شخصی شامل مشکلات فرد در زمینه‌های قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری احتمالاً تحت تاثیر هوش هیجانی فرد قرار می‌گیرند. هوش هیجانی اساساً در ارتباطات نمود پیدا می‌کند. این ارتباطات شامل ارتباطات درون فردی و بین فردی است. افرادی که دارای هوش هیجانی بالاتری هستند احتمالاً در روابط درون فردی و بین فردی موفق‌تر و مشکلات بین شخصی کمتری دارند. هوش هیجانی بالا نشان‌دهنده کفایت هیجانی بالا، مهارت‌های اجتماعی بهتر و تعارضات کمتر در روابط بین شخصی است. همچنین هوش هیجانی در جهت شناخت احساسات خود و دیگران، مهارت کافی در روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت‌پذیری کمک کننده است. از دیگر نتایج پژوهش آن است که هوش هیجانی نقش میانجی را در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی ایفا می‌کند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از عوامل مهم در کاهش مشکلات بین شخصی، در کنار سایر عوامل، احتمالاً داشتن سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی است. افراد با سبک دلبستگی ایمن، خودشان را به صورت مثبت تجربه می‌کنند. سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین‌تری از تعارضات دارند. لذا، دارای احساس امنیت بیشتر و اضطراب کمتر می‌باشند. افراد ایمن در تنظیم، نظارت، ارزیابی و ابراز هیجان‌های خود موفق‌تر هستند.هوش هیجانی بالا به نوبه خود احتمالاً موجب کاهش مشکلات بین شخصی می‌شود. افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالاً دارای انگیزش‌های درونی در انجام کارها، مهارت خودآگاهی بیشتر، هوشیاری اجتماعی بالاتر و مهارت‌های اجتماعی بهتر می‌باشند که این ویژگی‌ها احتمالاً موجب مشکلات بین شخصی کمتری در زمینه‌ی قاطعیت، مردآمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری خواهد شد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش در نظر نگرفتن سایر عوامل بود که ممکن است بر متغیرهای پژوهش تاثیرگذار باشد. همچنین این پژوهش در بین دانشجویان دختر ساکن خوابگاه همدان انجام شده و قابل تعمیم به سایر افراد جامعه نمی‌باشد. لذا، برای دستیابی به اطلاعات بیشتر در مسیر توسعه ارتباط این متغیرها نیاز به انجام پژوهش‌های جامع‌تر می‌باشد.

تقدیر و تشکر

از کلیه شرکت کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

References

1. Baradarn Tamadon R, Ahmady S, Hosieni M A, Mehrabian F. [The study of emotional intelligence medical dentistry students of International Branch of Guilan University of Medical Sciences in 2013]. Res Med Edu. 2014;6(2):1-10. [Persian]
2. Tilab SH, Ahangarani S, Shouri L. [Investigating academic achievement based on emotional intelligence and demographic components among students]. Annual Conference on New approaches to research in the humanities, 25 December 2015, Tehran: Iran. [Persian[
3. Fath N, Azad Fallah P, Rasool-zadeh Tabatabaei S, Rahimi C. [Validity and reliability of the inventory of interpersonal problems (IIP-32)]. J Clin Psychol. 2013;5(3):69-80. [Persian]
4. Pilkonis PA, Kim Y, Proietti JM, Barkham M. Scales for personality disorders developed from the inventory of interpersonal problems. J Pers Disord 1996;10(4):355-69.
5. Gurtman MB. Interpersonal problems and the psychotherapy context: The construct validity of the inventory of interpersonal problems. J Psychol Assess. 1996;3:241-55.
6. Horowitz LM, Rosenberg SE, Baer BA, Ureno G, Villasenor VS. Inventory of interpersonal problems: psychometric properties and clinical applications. J Consult Clin Psychol.1988;56:885-92.
7. Pakdaman Sh. Investigating the Relationship between Attachment and Community Tolerance in Adolescence, Ph.D., Faculty of Psychology and Psychology, University of Tehran. 2001. [Persian]
8. Bayrami M, Keshavarzi S. Prediction of homesickness changes from attachment styles and peer relationship. JPAs. 2015;22(2):137-52. [Persian]
9. Besharat MA, Zebardast A, Nadali H, Salehi M. [Emotional intelligence, alexithymia, and interpersonal problems]. J Psy Edu. 2008;38(2):101-23. [Persian]
10. Mayer JD, Salovey P, Caruso DR, Sitarnios G. Emotional intelligence as a standard intelligence. Emotion. 2001;1:232-42.
11. Hashemi SA. [The relationship between emotional intelligence and organizational socialization and employee productivity city health centers Lamerd]. Razi J Med Sci. 2018;25 (171):97-105. [Persian]
12. Tavakolizadeh J, Rahmani M, Safarzade S. [Emotional intelligence of students: Examining Predictive Role of assertiveness and aggression of parent]. Razi J Med Sci. 2017;24(155):73-82. [Persian]
13. Bar-On R, Parker JDA. The Bar-On Emotional Quotient Inventory: Youth Version (EQ-i: YV). Technical Manual. Toronto, Canada: Multi-Health Systems. 2000.
14. Fernandez-Berrocal P, Extremera N. about emotional intelligence and moral decision. J Behav Brain Sci. 2005;28(4):548-9.
15. Horowitz LM, Rosenberg SE, Bartholomew K. Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief dynamic psychotherapy. J Consult Clin Psychol. 1993;61:549-60.
16. Fernandez-Brrocal P, Extremera N. Emotional intelligence as predictor of mental, social and physical health in university students. Span J Psychol. 2006;1:45-51.
17. Herkenhoff L. Culturally tuned emotional intelligence: an effective change management tool? Strateg Chang. 2004;13(2):73-81.
18. Magai C, Distel N, Liker R. Emotion socialization, attachment and patterns of adult emotional traits. Cogn Emot. 1995; 9: 461-481.
19. Kafetsios K. Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. Pers Individ Dif. 2004;37(1):129-45.
20. Feeney JA. Attachment, caregiving and marital saticfaction. Pers Relatsh. 1995;3:401-16.
21. Mikiulincer M, Orbach I,Iavnieli D. Adult attachment style and affect regulation: Strategic variations in subjective self-other similarity. J Pers Soc Psychol. 1998;75:436-48.
22. Simpson J. Influence of attachment style on romantic relationship. J Pers Soc Psychol. 1990;59:971-80.
23. Mikulincer M, Orbach I. Attachment style and repressive defensiveness: The accessibility and architecture of affective memories. J Pers Soc Psychol. 1995;68:917-25.
24. Bekendam C. Dimensions of emotional intelligence: Attachment, affect regulation, alexithymia and empathy. Diss Abstr Int. 2001;58(4-B):2109.
25. Fullam M. Adult attachment, emotional intelligence, health and immunological responsiveness to stress. Diss Abstr Int. 2002;63(2-B):1079.
26. Baumeister RF, Sparks EA, Stillman TF, Vohs KD. Free will in consumer behaviorself-control ego depletion and choice. J Cons Psychol. 2008;18:4-13.
27. Besharat MA, Golinejad M, Ahmadi AA. [An investigation of the relationship between attachment styles and interpersonal problems]. IJPCP. 2003;8(4):74-81. [Persian]
28. Zarrati I, Amiryazdi A, AzadFalah P. [The relationship between emotional intelligence and attachment styles]. Adv Cog Sci. 2006;8(1):31-37. [Persian]
29. Azadi M, Mohammad Taherani M. [Emotional intelligence and attachments styles]. J Dev Psychol: Iran Psychol. 2010;7 (25):49-56. [Persian]
30. Ghanbari N, Azad Falah P, Rasoulzadeh Tabatabaei K, Farhadi M. [The association of emotional intelligence and attachment styles with homesickness]. Adv Cog Sci. 2006;8(1):23-30.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]

[Persian]
31. Besharat MA, Hedayati M, Kordmirza Nikuzadeh E. [Mediating role of interpersonal problems in relation between attachment pathologies and anxiety symptoms]. J Dev Psychol: Iran Psychol. 2014;10(39):225-36. [Persian]
32. Habibi A, Adanvar M. Structural equation modeling and factor analysis (LISREL manual). 2017; Tehran: Jahade Daneshgahi. [Persian]
33. Mehmannavazan A, Aliakbaridehkordi M, Kakojoybari A. [Impact of attachment styles, family cohesion and adaptability on the level of resiliency as it relates to the feeling of homesickness among freshman students living in dormitories of AL Zahra university]. JWSSP. 2015;12(4):173-204. [Persian]
34. Abbasabad Arabi H, Bastani F, Navab E, Haghani H. [Investigating quality of life and its relationship with Emotional Intelligence (EQ) in elderly with diabetes]. IJPCP. 2015;21(3):215-224. [Persian]
35. Besharat MA, Ofoghi Z, Aghaei Sabet S, Habibnejad M, Pournaghd Ali A, Geranmayehpour S. [Moderating effect of cognitive emotion regulation strategies on the relationship between alexithymia andinterpersonal problems]. Adv Cog Sci. 2014;15(4):43-52. [Persian]
36. Pepping CA, Davis PJ, O'donovan A. Individual differences in attachment and dispositional mindfulness: The mediating role of emotion regulation. Pers Individ Dif. 2013;54:453-6.
37. Hawkins-Rodgers YP. Adolescents adjusting to a group home environment: A residential care model of reorganizing attachment behavior and building resiliency. Child Youth Serv Rev. 2007;29:1131-41.
38. Mallinckrodt B, Wei M. Attachment, social competencies, social support and psychological distress. J Couns Psychol. 2005;52:358-67.
39. Krikorian M. Emotional intelligence in relation to attachment type, Ph.D. Thesis, University of Detroit. 2002.
40. Huntsinger ET, Luecken LJ. Attachment relationships and health behavior: The medi- ational role of self-esteem. Psychol Health. 2004;19(4):515-26.
41. Conner KM, Davidson JRT. Development of a new Resilience Scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Depress Anxiety. 2003;18:76-82.
42. Amani R, Etemadi A, Fatehizadeh M, Bahrami F. [The relationship of attachment styles and social adjustment]. CPAP. 2012;2(6):15-26. [Persian]
43. Khaje F, Khezri-Moghadam N. [The relationships between alexithymia and interpersonal problems with marital satisfaction in married female nurses of the public hospitals in Kerman city]. J Urmia Nurs Midwif Fac. 2016;14(7):630-8. [Persian]
44. Sabri M, khoshbakht F, Golzar H. [Relationship between attachment styles and social adjustment: the mediator role of emotional intelligence]. J Dev Psychol: Iran Psychol. 2015;11(42):181-94. [Persian]

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-15]